



یک کار خوب

توی خانه روضه داریم	کفش‌ها را جفت کردم	خانم پیری هم آمد	خسته بودم چند لحظه
بوی نذری آمد الان	در کنار هم مرتب	کفش‌هایش را درآورد	پیش کفشی نوشستم
کفش‌ها را می‌شمارم	راهرو با کارهایم	من برایش جفت کردم	خوش به حالم چون که امروز
آمده پنجاه مهمان	می‌شود کم کم مرتب	او مرا خیلی دعا کرد	کفش دار روضه هستم

